

روزنامه آزاد هفتگی

چشمه چهل و هشتم شرف المظفر پشته بگری

تربیت

صاحب امتیاز ذکار المکتب میرد رسپه باسی

جستیم آوریل ماه فرنگی ۱۳۰۵ هجری

قیمت در دار الخلافه طهران هر سیصد دینار

در سایر ولایات داخله سیصد هزار دینار در تمام روسیه چهار شتا در تمام هندوستان هفت و پند در تمام فرنگ و ممالک عثمانی و مصره و فرانک

در دار الخلافه طهران طبع شود جریده علمی و ادبی و سیاسی

سال هشتم

قیمت طبعان سطر یکقران اگر مکرر شود تخفیف قیمت دارد

حقایق عقلیه بسیار است که باید بتدریج همه را بنظر مطالعه کنندگان محترم رسانیم اما مطالب نقلیه بواسطه چند روز تعطیل جمع شده اند بابت بکارش آن اخبار پروریم و بعد بر سر کار خود رویم و مشغول تحقیق شویم اگر تو اتر حوادث و توالی سوانح مجال دهد و بیماری و بیماری داری دست بردار و بگذارد و از سر ایض که ادا کرده ایم و باید قضایا جواب مسائل بسیار است از دوستان محترم و سران معظمه که بابت تمام و سستی بیغ میترگشته و منتظر فرج بعد از شدیم و در صد و سی و فرصت آید و ایم یاران با وفا و صفا حاصل بریم لاتی و عدم استنا نفرایند (من یک سرم و سر ار سودا) انشاء الله دانا توانا یاری میکند و ازین سرساری سیر و ن می آیم و در نهایت را بری سینما

(بقیه تاریخ نریت آرتور)

پس از اندام قلع شون شوان بادینامیت و دفون کردن نصف ساخوی آن زیر آوار زاپشیا آن محل را تصرف شده و باقی مانده

ساخوی را اسیر نمودند و این فتح آخری در صبح روز آخر سال هزار و نصد و چهار میلادی واقع گردید در ساعت دو همان روز قلعه پالونک را نیز تصرف کردند و آن قلعه در پشت دیواری بود که در فرج قطر داشت و قلعه دیگر هم در همان روز باعده توپ بکشتن آنها افتاد باری آن روز چون عصر شد تقریباً نصف برج و باره های داخلی پرت آرتور را شگریان ژانپ گرفته بودند و کار را بنهتیا و جری سختی رسانده و ژنرال اتل سردار شجاع روپس که از سر کردگان بزرگ محبوب شود از آن وقت دانست و یقین حاصل کرد که بعد با کوشش و مقاومت بی ثمر است و جز خونی بی فایده حاصلی ندارد و لهذا نامه به ژنرال نوگی (نورثی) فرماده و سپه دار عا کر ژانپ نوشت و حال مکتوب زیر برسیه قیامان در ساعت پنج روز یکشنبه اول ماه ژانویه سال هزار و نصد و پنج بار دوی ژانپ رسید و مضمون آن نوشته از قرار ذیل است

(بملاحظه وضع عمومی نقاشا حریه که در تصرف شما میباشد چنان

شرح حال و اشکلتن

یکی از رجال نامی دنیا و اشکلتن میباشد و آنها که خواهند از اوضاع عالم پیش و کم با خبر باشند باید با نظر و شرح حال و کار و راستی و درستی اعمال و اطوار او را بداند و در خلاق کریمه و استقامت رفتار و عادات و رسوم و خصال پیوسته و آداب مرضیه و آتانی نماید و آن راه را پروردی کنید و نبود که با مطالعه کنندگان محترم و دیده دادیم که سرگذشت زندگانی آن مرد بزرگ را بنویسیم و ضمیر سایر معلومات ایشان بنایم تا به اندیشه بچسبند و بجهت و مجاهدت بجائی نرسیده و شرط اتم یا رکن اتم در همه جا حقیقت و صحت است و باطل با چاق و ظن زایل باشد و اگر روزی دماند سراپا بکمان و جلوه نماید چندان نباید و بانی که بنیان درست ندارد و بودی منهدم و نابود شود و اثر بی اثر مضل و محو گردد باری شروع بطلب نموده و فهم آن موقوف بخت مختصر مقدمه است

می بینم که پیش ازین مقاومت در پرت آرتور کاری نمودند نیست بنا
برین خوب است جلوه خیزری و کشتن و کشته شدن بندگان خدا را بگیریم
و برقیات معاهده تسلیم پرت آرتور پردازیم اگر شما هم باین امر رضی
هستید چند نفر را معین نمایند که حاضر شوند و در شرط تسلیم گفتگو
و مذاکره کرده بکدام کار صورت گیرد نیز مکانی را مشخص کنید که
وکلای من با وکلای شما ملاقات نمایند درین موقع از احترامات خود شمارا
معلن میسازم (اتصل)

صبح روز دوشنبه دویم ژانویه ژنرال نوکی جوابی بمضمون ذیل برای
ژنرال اتل فرستاد

(از نوشتن جواب مکتوبی که در باب مذکور مطالب و شرایط تسلیم
مردم فرموده بودید متعجب میشم برای انجام این امر ژنرال نوکی با
کیکی از رؤسای لشکر است با چند نفر دیگر از صاحبان نظامی و بلد
معین نموده ام آنها وکلای شمارا در ظهر روز دویم ژانویه در روی
شی یا گنگ ملاقات خواهند نمود وکلای طبرستان باید بتوانند پیش
خود معاهده تسلیم را امضا نمایند و عقل سوال و جواب مجلس ثانوی شوند
تربایه مضمون معاهده را فوراً معمول دارند هر یک از وکلای باید وکالت
نامه که با مضامین رئیس آنها مضی شده باشد بدست داشته باشند
و در مجلس بکلیه گیر و بدل نمایند جناب شمارا درین مورد از احترامات
خود طمینان میدهم (نوکی)

بعد از ارسال و مرسل مکاتبات و سپردار وکلای جانبین در محلی
که معین شده بود حاضر گردیدند و در شرایط تسلیم پرت آرتور گفتند و

شنیدند و آخر الامر متعهد شدند بیا زده شرط کار گذاران روس
پرت آرتور را بجا بیاورند و این تسلیم کند و تصرف ایشان پسند
معاهده تسلیم پرت آرتور حاوی شرایط یا زده گانه نوشته و امضا
شد و ما مورین و طرف پس از اظهار مخالفت و تحین و تحید از بهت و
اقدام ژاپنها و ثبات پاداری روسها از هم جدا شده و بموجب
معاهده مزبور پرت آرتور را احراز کرد پس تصرف انگلیس بر این دانه
نگارنده گوید برای آنکه فضول یا زده گانه شرایط تسلیم پرت آرتور در
یک نمره باشد و بهتر مفهوم گردد آن را بجامه برای نمره بعد گذاشت و
تجزیه صورت معاهده را جایز نیست بقیه در نمره آتیه افشارته
(بعضی احتیاطها و دستورالعملها در باب چشم و عینک)

نگارش جناب فضایل مآب دکتر میرزا حسینیان سعید
الاطباء و امت افاضه

بسیاری از مردم که طبعاً و بالذات نور چشم ایشان کم است یا آنکه بواسطه
کبر سن یا عارض شدن علت و مرض یا بسبب مطالعه و تحصیل زیاد ضعف
و نقصان در قوه باصره آنها هم رسیده محتاج عینک هستند و در فرنگ
چون اسباب این کار از هر جهت موجود است در هر محله و معبر کمالها
هستند که عینک را تعیین میکنند این مطلب کمال سئوالت را دارد
و علاوه بر آن باید اندک باید اول نمره چشم را تعیین کرد و بعد عینک را
انتخاب نمود اما در ایران اسباب این کار که فراهم نیست سهل است
در پاره نقاط هم که تعیین عینک میشود غالباً با شتاب میروند و قبل از آن

یعنی باید دانست که تا زونی یا دول متحد امریکای شمالی که امروز در تمدن ثروت و ممکن قدرت میان تمام دول ترسبه مقام اولیت دارد و عده نفوس
مملکت آن حالا زیاده از یکصد و پنجاه و پسه کرو می باشد و وسعت خاکش پنج برابر ایران و برتریهای آن بر صاحبان آگاهی پوشیده و پنهان نیست در قرن
هجدهم میلادی چند ان ایتی نداشت و قسمت عمده از این خاک را دولت انگلیس مالک و تصرف بود یعنی بعد از کشف امریکای کمال فرنگ در آن تسلیم
بنامی مسافرت و سیاحت را گذاشتند و نظر با استعداد و تجلی بسیاری از وطن اصلی خود چشم پوشیده و آن سرزمین مهاجرت کردند و انگلیسها مخصوصاً
در آبادی این نقطه کوشیدند و مستعمرات برقرار نمودند و صد و بیست سال قبل نقاط آباد این خاک که ساحل شرقی امریکای شمالی بیشتر از شش هفت کرو
سکه فنی نداشت و عده آنها انگلیس بودند و باقی آن مالک غیر معمول و تناسک بعضی از قبایل وحشی امریکایی پسند قدیم آن تسلیم بود در اول

قرچشم بآلت مخصوص (افالموکیف) بدو ابدون مقدمه
شروع تعیین عینک می نمایند در صورتی که معلوم کرده اند که مریض
نزدیک بین است (یوپی نزدیک بینی) یا دور بین است
(هپرمیتروپیا دور بینی) و یا استیگمات (استیگمات)
حال اشخاصی است که چشمان گودی نیست بعضی آنکه نور در قرچشم
در یک نقطه جمع شود و در نقطه می افتد (در چنین موقعی هم عینک
محدب چشم مریض بخورد و هم عینک مقعر اما بدون اینکه بتواند
با آنها خوب ببیند

استیگمات سه شیء مختلف دارد اول استیگمات ساده است یعنی
یکی از نقاط قرچشم معتدل است و نور در قرچشم روی پرده شبکیه
می افتد بعبارتی دیگری این نقطه چشم صحیح است در صورتی که نقطه دیگر
آن ممکن است نزدیک بین باشد یا دور بین یعنی نور جلوس شبکیه جمع شود
یا در عقب آن دویم استیگمات مرکب است یعنی دو نقطه از قر
چشم نزدیک بین است یا دور بین اما بدرجات مختلف ششم شکل مختلف
یعنی یکی از نقاط نزدیک بین است و دیگری دور بین برای چنین
مریضی اگر حالت اول این مرض را ندانسته باشد و عینک بایک
تعیین کرد

غالب مردم در باب جو انسانی که عینک میزنند بگوئی میکنند که
چشم آنها خوب است احتیاج بعینک ندارند و بملاحظه بی اطلاعی
و جهالت آن را برای خود سبب زینت قرار میدهند و در واقع
استعمال عینک باین قسم نهایت مذمت را دارد بجهت آنکه غالب

این مردم بدون مشاوره و تجویز کمال عالم فقط بخیال شخص خود باز آرد
عینکهای مختلفه بچشم گذاشته و بالاخره بلیقه خود یک نره پیدا
میکنند که از چشمان بهتر است بعد از چندی می بینند که دیگر با آن
عینک خوب نمی بینند مجدداً از قد عینک دیگری بپوشانند
خریداری می نمایند و قس علی ذلک در صورتی که ندانند باین ترتیب
نره چشم را نمیتوان معین نمود و عاقبت بی مفاسد و معایب هم بر آن
اقدامات غلطانه ایشان مرتب خواهد گردید اما بعکس وقتی که
نره چشم چنانکه ذکر شد بطور صحیح معین گشت عینک را هرگاه برای
دور دیدن تعیین شده است همیشه بکار برده و در وقت تحریر یا مطالعه
بردارند و یا عینک دیگری که برای نزدیک دیدن تعیین شده است
برند پس در حالت چشم اگر قصور جوان باشد تغییری پیدا نخواهد
کرد در پس بری که طبیعتاً آن وقت در حال چشم تغییری پیدا نشود
و مجبور تعیین عینک دیگری خواهند بود

بسیاری از مردم دیده میشوند که یا میل خود یا تجویز طبیب عینک دودی
میزنند و نمیدانند آن درجه ضعیف و نوری را که چشم بآن عادت
دارد نباید بدون داعی و ضرورت از قوه آن بکاهند زیرا که کم کم
چشم باین عادت میکند و بعد مستواند نور طبیعی را تحمل نماید غالب
مرضی در نزد طبیب خود را تحمل نکردن نور طبیعی یا مصنوعی شکایت
میکنند طبیب هم بدون تأمل برای آنها تجویز عینک دودی می نماید
و مریض موقتاً راحت میشود اما وقتی که میخواهد عینک خود را بردارد
از روشنائی روز چشم او متأثر شده و با کمال عجز عینک خود را

ناله هیچم میلادی این ستمرات انگلیسی بواسطه آنکه در تحت اختیار و اقتدار دولت انگلیس آزادی کامل نداشتند و آن دولت را نسبت بخود متعصب
فرض میکردند بر دولت مشارایا شوریدند شخصی که در این مورد موقع از جهت استقامت و بهت اقدام و عالم وطن پرستی و غیرت آزادی
اسباب پیشرفت کار ایشان شد موموم به خرج و آشپکتن بود و مالی امریکایین در برابر گسترین رجال دنیای جدید پیدا شدند و تمام دنیا بفضایل صفات
حنا و متعرف میباشند و احترامش را چنانکه باید و شاید مرعی و منظور میدارند و رستی که بخرج و آشپکتن تمام رؤسای مملکت دول پسته متقی و او
که قابل ملاحظه و امتنانی بود کس میباید پیروی کنند و ابعامی عالی میراث

خرج و آشپکتن در سال هزار و هشتصد و سی و دو میلادی در ولایت و پرنی که محسورترین ولایات سیزده گانه ستمرات انگلیسی بود متوقف شد چنانچه

میگذارد و چنانکه اشخاص بسیاری را دیده ام طوری بعینت دودی
معا شده اند که ابدار و ششانی روز را نمیتوانند تحمل کنند
و مجبور هستند دام عینک دودی بزنند

بسیاری هم هستند که برای گرد و خاک عینک دودی میزنند و صورت
عینک سفید یا خیلی کم رنگ همان کار عینک دودی تسهیل میکند
و معاد بان هم نمیشوند

بنا علیهذا عینک دودی را نباید برای مریض تجویز کرد مگر در صورت
لزوم و آن وقت هم مریض باید عینک را بگذارد بلکه لازم است
بعضی اوقات طفره زده موقتاً بردارد

(مدرسۀ افخمیۀ استرآباد)

وقایع نگار مخصوص تربیت شرعی از نظم و انتظام امور حکمرانی
استرآباد و اقدامات مجدانه جناب مستطاب اجل اکرم سر در انجم
حکمران استرآباد و مضافات دام اقباله العالی در تنبیه متمدن
طایفه و از از طوایف ترکمن نوشته و معلوم است که این جلد از
وظایف و تکالیف حکام با احتشام میباشد و خلاف آن خاصه
از اشخاص با کفایت غایت دارد از مسطورات وقایع نگار
الیه چیزی که در اداره تربیت جلوه مینماید و استان مدرسه است
مخصوصاً مدرسۀ استرآباد که زیاده از حد طرف حاجت میباشد
وقایع نگار محترم ماسنویس جناب مستطاب مخم سر در انجم برای
استرآباد ترتیب مدرسه داده و مبلغی در راه این کار خیر از جیب
خود مبذول داشته و کار مدرسۀ موسوم با فخمیۀ میباشد اینجا

رسیده که از اول ماه صفر اخیر مفتوح خواهد شد یعنی معلم و مشق
و سایر لوازم از اساسیۀ غیره حاضر شده و اعلان کرده اند که
از اول شمس صفر لطف هر کس فسر زنده خود را بدر پناه فخمیۀ
برای تحصیل بفرستد قبول خواهد شد

راست بگویم این از آن خبرهایی است که معنی دارد و اگر واقعی
صورت بگیرد اسباب امیدواری میشود زیرا که رستگاری و
فلاح و کلیۀ صلاح و اصلاح حال امم بسته بدر پناه رشتن
عرض کم اعتقاد بنده این اوقات آن است که روزنامه هم بعد از
شیوع مدار پس و مکاتب و روشن شدن اذهان مردم فایده
دارد و اگر نه حالا اگر بنده خدای مکرده خلاف بگویم و در صد و
اضلال مشربان بشم با این بی سوادی و کج طبعی ناشی از عامی بودن
کیست که بداند و بفهمد که من چه میکنم باری تا ندانیم که خوب بد کدام
کار نامحکم است آید و داریم چه در استرآباد و چه در سایر بلاد
دو تخوانان منت دوست برای نشسته آثار علم و دانش قدری
بیشتر و بهتر دست بجنبانند که وقت تنگ است و فرسنگ
انشار آن بعد از آنکه وقایع نگار ما شرح افتتاح و دایر شدن مدرسه
افخمیۀ را نوشت فکر و عرض مهستان را بدعا و ثنای جناب مستطاب
اجل اکرم سپهر دار انجم دام جلاله و افضاله میسر داریم

(دبستان و مریضخانۀ ایرانیان اسپلایبول)

برای مدخروج دبستان و مریضخانۀ ایرانیان در پای تحت دولت
علیه عثمانی یک دو ماه قبل جناب مستطاب اشرف پرنس ارفع الدوله

او از بزرگان مجلس و از طرف داران شارل اول پادشاه انگلیس بوده در واسطه مائه هفدهم هنگامی که امانی انگلیس بر پادشاه خود شوریدند آن
از انگلیس کوچیده بامریکا رفت و در ولایت پریشی سکنی گرفت و در آن ناحیه در کنار رودخانه پونوماک ملک سیسی خرید و آن را برای اولاد
اعتاب خوش میراث گذاشت اما و اشپنکلتن در طفولیت خواندن و نوشتن و حساب کردن را فرا گرفت ولی برای تفسیح و بیکاری وقت زیادی
داشت غیر از آنکه آن اوقات را با بطل ضایع نموده چون برادرش از صاحبان نظام بود با وجود صغر سنین تقلید برادر روی چمن کنار رودخانه
نفا و همشگر دیهای خود را جمع میکرد و با آنها مشق نظام و سنون جریتمیداد سان افواج میدید و ترتیب محاربات میپرداخت بنا برین شاگردان
مدرسۀ اورانجس خویش و آنکه سر در انجم مینامیدند

سفیر کبر و دولت علیه ایران معتمد اسلامبول ضاعف الله اجلاله مجلس
بالی ترقیب داده و مبلغ چهار صد لیره عثمانی که تقریباً دویست هزار تومان
باشد از آن محل عاید شد و آن را بمدرسه و بیمارستان مذکور داد
این اوقات در جراید اسلامبول شرح آن بال با شکوه و جلال را
خواندیم و لذت بردیم از جمله روزنامه فیه آرماتال که بزبان
طبع میشود گوید از وقتی که جناب اشرف پرنس میرزا رضا خان
دانش مقرب بارفع الله و شغل بزرگ نمایندگی علیحضرت شاهنشاهی ایران
در اسلامبول دارد ایرانیهای شهر با جنبش مخصوصی دارند و از
هر حیث در راه ترقی عظیمی از مادی و معنوی افتاده و باعث بار
و اجماعی نایل گشته که ممکن نیست سایر طبقات آنها توجه کنند و بدین
ایرانیان و مریضخانه فی ایشان بهترین ابنیه که از این جنس است
برابری دارد و در دستگیری مردم خدمات نمایان میکند جناب
اشرف پرنس میرزا رضا خان با غمی جزم بکنت و قدرت خود
اکتفا بخیریه را نایید و توفیق مینماید و اسباب از دیار رفاه مادی و
معنوی آن دوا بر افشای هم می آورد و البته آن ساعی جمیع
حسب برای بهبودی حال دبستان و مریضخانه ایرانیان خواهد داشت
و باعث ویتج قدر دانی مردم نسبت باین دوا خواهد شد چنانکه
در موقع خرید بیت بال که برای فایده دبستان و بیمارستان بود
داده شد این مطلب ظاهر گردید و از جمله مواهب که بواسطه جناب
اشرف میرزا رضا خان شامل حال ایرانیان اسلامبول شده این است
که علیحضرت سلطان خلد الله ملکه و سلطانه توسط جناب ابراهیم شاه

وزیر ترغیفات جناب اشرف خبر داده اند که مبلغی بدو ایر خیریه ایرانی
عطا میفرمایند جناب فیم پاشای مرتباً جو دان مخصوص هم بود
که یانه برای ابنیه خیریه عطا نمودند (پس ازین مطالب شرح
بال است و مبلغی تجد از جناب مطالب اشرف ارفع الله و لکه
ماستنی از تعریف میباشد)

روزنامه اسپتانبول که نیز بزبان فرس از در انشاده منطبع منتشر
میگردد گوید هر سال در تالارهای سفارتخانه ایران در اسلامبول
کنفرسی داده میشد (کنفرس مجلس باز و آوازا است) و فایده
آن عاید دبستان و مریضخانه ایرانیان میگردد آسالم جناب
اشرف سفیر کبر و دولت علیه ایران معتمد اسلامبول یعنی پرنس
ارفع الله و له ادام الله اقباله الهی کنفرس را بمعدل بال فرمودند که
حاصل آن زیاد تر باشد و دوا بر خیریه بیشتر مستفیع شود جناب مطالب
اشرف معظم میرزا رضا خان خود مجلس را ازین فرمودند و تمام
اجزای سفارت و قنصل رزالی هم حاضر بودند محفل ازین
آرامش تر بصورت در نیاید چشم اندیشه را تا تل آن خیره نماید شکوه
و جلالش چنین و چنان نظیر باغ ارم وروضه رضوان و آخر الامر
معلوم شد که این ابداع سفیر کبر از کارهای درست و نیک بوقع بود
چه باب ابنیه خیریه خدمت نموده امید است که این فستاح سرشت
آئینه شود و مال بال محکم تر گردد

روزنامه ترجمان حقیقت هم شرحی بهمین مضامین بااطاب در کج
و شامی جناب مطالب نگاشته چون تکرار مطلب است بترجمه آن دست

و اشپکن تقریباً ده سال داشت که پدرش در گذشت و تربیت کودک راجع بادرش گشته و آن زن سخت با غیرت و عفت بود چنانکه فرزندش هم
اود را محترم داشتند هم باو مهر میورزیدند مابانی حکم تربیت مشارالیه و اشپکن را ادارای اوصاف اشراف و ملکات فاضله نمود و این مزایا بعد
اسباب خدمتی نمایان بوطن او گردید

و اشپکن از الله خارج و زبانه های قدیم و جدید خیری نیاوخت و ذوق تحصیل ادبیات چندان در او پیدا نشد در پس چار و ساگی مرتبان او جوان
مخصوصاً بشق خط و استنساخ قبایله جات و صورت حکام و نوشتن فرح حساب امثال آن وادار کردن آقا توه و بنیه خوب و قد و قامت رسا از
رشادت و کارهای دیگر خبر میداد و فی الحقیقه از همان وقت در حال بنی قدرت و اقتداری ظاهر داشت چنانکه در اسب سواری و رکضت

نزدیم جنبه اینکه دینی گردن داریم و بهر آنکه درین موقع بادای
آن برداریم و در پیشغول شکله آری را بری سازیم
دبستان ایرانیان آنچه بنده گان میکنم و در نظامه آن مطور
شده در ماه صفر سال هزار و سیصد و یک هجری در سفارت کبریا
مرحوم حاجی شیخ محسن خان معین الملک طالب شرافه در سلاسل
دایرگشته و از همان وقت جناب معارف و معالی نصاب خراج
حاجی رضاقلی تاجر جنبه اسانی و له مرحوم حاجی محمد باقر افشار
خفراقله لیدر این دبستان بوده و خدمتهای شایان باین آموزگاران
نموده باین زیاد از بیت سال است که آن جناب این بار زحمت
بدوش دارد و در راه مردمی وقت دوستی میسپارد و جناب حقایق
آداب محترم حاجی رضاقلی دام مجده الهی نه تنها در کار دبستان
ایرانیان متکل در ارت و شقت میشود و بیاران و برادران خدمت
میکنند بلکه در کار حسبه اید فارسی و سایر عال خیریه نیز حقی المقدر
جدی دارد و جانب نهانت را فرو میگذارد و در کارش ابر و جری
خیر و نادر و بوجود وجودش گزندی نرسد چه آدمهای نیکو نهاد
خیر خواه بخوم سار عالم رفعت اند و ضیاء بخش جهان معرفت آرجو
که دیرگاهی بماند و بهر بلندی و سعادت گذرند

(جنگ روپس و ژاپن)

وقایع آخرین جنگ روپس و ژاپن را که در نرهای آخر سال هشتم
شرح دادیم البته مطالعه کنندگان محترم بخاطر دارند و میدانند
که ژنرال کورا پاکین در آن وقته درست مغلوب شد و ناچار بنای

عقب نشستن را گذاشت در صورتی که حالت کسروانکار داشت
ژاپنیها هم موکدن را گرفته و لشکریان روپس را تعاقب کردند و
آنچه صدمه و خسارت بود بر آنها وارد آوردند عاقبت روز پانزدهم
ماه مارس تلینگ را هم که آخرین محل اسید کورا پاکین بود پس
از کارزاری سخت متصرف شدند و ظاهر گشت که برای کورا پاکین
آفتد رتبه و استعداده مانده که درین مکان هم تواند پایداری کند
و فی الحقیقه ژاپنیها هم طوری با شتاب او را دنبال میکردند که
باو مجال هیچکار نمیدادند عجب آنکه بعد از گرفتن تلینگ هم
ژاپنیها توقف نکردند از پشت سر و سوار و آورده و آنها را بطرف
شمال راندند

در تلینگ روسها آذوقه و علوفه خود را آتش زدند و دود و دشت آن
سوخت با وجود این غنیمت بسیار باهشتاد و عاده توپ بچنگ
ژاپنیها افتاد و همچنین اسیر زیاد چنانکه خسارت روسها در این جنگ
نوزده هزار نفر گفتند و مذکور شد که ژاپنیها در عرض دو هفته نود
میل بالا رفته اند در صورتی که گام بگام این زمینها را برز و خود
پیروندند اینکه راه باز بی مانعی طی نموند بل و دو خانه موکدن را هم
کردند چنانکه حالا در طرف تکت کینهت میتوانند از پرت آرتور موکدن بروند
خسارت روپس و ژاپن را در جنگ عظیم آخر که رستی بله عظمی بود بطور خلاصه
ذکر کردیم پیش هم از روی تخمین آن نوشته ایم بوجوب خبرهای آخری تلقفا
ژاپن پنجاه هزار نفر بوده از روپس من حیث المجموع از گشته در نرخی و سیصد
و هفتاد و پنجاه نفره گویند غایبی که در شمال موکدن بچنگ لشکریان ژاپن

ما بر و چالاک بود و سلا و آسان بهر جانب روینمود و میآخت و ازین ساحل رودخانه بان طرف ملک می انداخت در آنظار شرق اهل نظام پیش
ازین بدست درازی و اجحاف و تجاوز و اعتصاف شور بودند و گان میگردند که سپاه دیگری بی چاد و تقه میگویند و لشکری لابد باید
بحیاب بگوید بی قاعده بکنند پس با تعجب باید گفت و اشکینن با سیر و صفات نظامی مخصوصا خوش قنط این دیکو کار بود انصاف و عدالت را
بسیار دوست میداشت و حق المقدر و نیکد داشت باطل بر حق غالب آید و کذب صدق را با مال نماید و بهین جت رنقا و آشنایان و اشکینن هر وقت خلاف
و نرانی میان خود پیدا میکردند او را حکم قتل میدادند و حکم او را دفع گفتگو و اختلاف می نمودند و می گرفت و مدعی علیه می آسود
و اشکینن را برادری بزرگتر بود و لادین نام که برادر کوچک رانل جان شیرین عزیز و گرامی میداشت خانبابا او را به سنبل خود میبرد و لادین

افاده از آذوقه ذخیره بعد ری بوده که یک قطار بار و از ذیل طول میسر است
آن را حمل کند و تفصیل آن از ستره از ذیل است

توب بزرگ شصت عزاده تنگ بجا هزار قبضه و اگر سحر صد
بجا طاق کلوک توب دویست هزار عدد تنگ بیت و پنج میون
جواب دگندم هفتاد و چهار هزار کیله اطاق راه آهن سیصداب
اسب دویست و پانصد لباس هزار بارکش نان یک میون خوراک
(مقصود از خوراک خوراک یک نفر است در یک هفته) هزارم صد و پنجاه میون
پوند (یک پوند معادل شش سیر و ربع است) اما قوای طرفین قبل از
جنگ عظیم درین باب هم اختلاف وایت است استعداد کوراپاکیمن را
بعضی چهار صد هزار نفر نوشته و این عدد با خلوی و تحطین راه آهن بود که
قوت جنگی کمتر از سیصد هزار نفر شود ولی قول کشر این است که همان جنگیان
چهار صد هزار نفر بوده اند پس مجموع عساکر روس در شرق دریاچه باikal مقصد
هزار نفر شده و عدد توپهای روسی هزار و پانصد عزاده

اما پسند در این ابیاری زیاده از استعدا و دوس شود در حال رسوا
عساکر ژان اکتر از آنچه بود سپندند و این نکته است معلوم شود که برهنیا
از اول این جنگ تا کنون مواجب و شهادت و مراقب تربیت کار و قوه مکان و وسای
بوده مطالب را بر پیش برشی کشف و تحقیق نموده طرف مقابل بکلی غفلت داشته است
خلاصه بعد از وقوع این وقایع علیحضرت امیر اطور و روس ژنرال کورپاتکین را
از سرداری کل عساکر منجوری مغزول فرستاده و ژنرال لیسینی و یچ را که از سرداران
جهان سپاه بوجای می نصب نموده و بابتدایا باشد که کورپاتکین بطرز بونوع مراجعت کند
لکن بعد گفتند خود سردار شارالیه مانند در منجوری و سرداری یکدیگر بسته از لشکر

روپس اور شرق قصبی بر بازگشت بروسیه ترجیح داده است

بعد از غزل کور پائین جاعی که با او عداوت دارند مانند از بی کفایتی و صحن
بی تمی او بنای بگوئی را گذارند تمام سوختن نتایج و خیمه را بگردن او انداختند
تا آنجا که گفتند عجب بدون لزوم و بیارکم بقبض شنی دادند و دوستان کور پائین
میگویند نقصان سباب یکی لوازم باعث این مغلوبی و مقهوری شده حقیقت را خدایا
ولی استعداد غیرت و شوق و همت سرداران را پندار نظر اثریش از سرداران
روپس و در حال باید دید که در جبهه چه میکنند در صورتی که هم از استعدادش کاسته
هم باقی مانده کم حاصل و بی دماغ اند و از همه بزرگانکه با وضع داخلی روستیه فرستادن و
بشرق قصبی کاری شکل است

فلا ترزال لینی وچ سزدار کل عا کر و پس در منجوری بالنگریان خود در عا
نشینی است و بطرف شمال شرقی حرکت میکند و شهر قرین نزدیک شده و قرین شهری است
در میان بوندن و خازین معلوم نیست که در اینجا آیا مستورا در ریب سبابی و در مقاصد
کند یا یکم نیست قیماً بخارجین و خا هفت

آما صلح معلوم نیست از چه قرار است وقتی که جنگ سر آمد بازه اتفاق افتاد بود
و لها سروده گویی میگفتند این قال چه حاصل دارد و عاقبت آن کجا منتهی شود
یقین است که قبح نحو ایسم کرد و هر چه جنگ بیشتر طول کشد خسارت باز زیادتر خواهد
و شرایط صلح تنگین تر میگردد زیرا که ژاپن مستأخرین و ولادیمیر پستک را ایسم کرد
و بر تو قعات خرد می فزاید و با این غشاش و اخلاقش منتهی ایسم کردن نیز ممکن
نیست این حرفها کار بود ناچند روز قبل که هم روزنامه و هم بعضی اشخاص تغییر را
دادند و گفتند جنگ را باید امتداد داد مگر نیکامی باز حاصل آید روسیه سربازان
زیادی دارد و اگر پاشا در عاقبت ژاپن رخصت و روانه میکند آما این حرف معلوم

زنی داشت از یکی از خانوادهای نجیب انگلیس و آن خانواده با او اب بزرگان و نجبا مودت تمام پوششکننده مهر بانی و محبت سینمودند و جمله بدیدار و گفتار او را
راغب دایل بودند آن جوان در آن حوزه و خانواده آداب معاشرت آموخت و بر رسوم و عادات نیک مستاد و مانوس گردید بسیار به اخروی تربیت
نجایت و بزرگ زادگی و بدیدار رساله کوچکی از آن آداب برای تذکره یادداشت خود نوشت که اگر غفلتی دست دهد بطل الله آن متذکر گردد و از صراط
ستقیم منحرف نشود بعلو او و اشپکن در منزل برادر خویش صاحب منصبان خارج و بحسب پیمان چند میدید و از گفتگوی تحسین بنا در نزد و خور و با و زدن
دریائی چیزهای شنید و دزدی دریائی و محاربه با آن جماعت در آن اوان کاری معمول بود و در اغلب مجالس هر کسی ازین مباحث صحبت سینمود و اشپکن
این حرفها خوش می آمد تا آنجا که رفته رفته در قلب او روشنی کرده دایل شد که در دایره دریانوردان و حسل گردد و از جمله بحسب پیمان باشد و برادرش

